



از ازدواج اجباری دوری کنید!

سلام دختری هستم ۲۱ ساله که حدود سه سالی است با پسر عمویم نامزد کرده‌ام. متأسفانه این نامزدی به اصرار خانواده‌ها بوده است. البته اوایل فکر می‌کردم که این بی‌علاقگی یک طرفه است، اما حالا بعد از سه سال چون پسرعمویم خیلی مشتاق به ازدواج نیست و هر بار با بهانه‌های مختلف ازدواج را عقب می‌اندازد، متوجه شده‌ام که او هم به اجبار پدر و به خاطر قول و قرارهای بزرگترها به این وصلت راضی شده است. همراز عزیز به خاطر شرایط خانواده‌هایمان هیچ کداممان تا کنون در این مورد صحبت نکرده‌ایم. احساس می‌کنم که نامزد می‌خواهد این مسأله از طرف من مطرح شود. حالا با وجود این که پدرم بیشتر از شش ماه به او زمان نداده‌است چکار کنم. البته او از ابتدا خیلی جدی و کم حرف بود و به همین خاطر نمی‌توانم حدس درستی از برخورد‌هایش بزنم. لطفا کمک کنید تا بتوانم قبل از عقد و عروسی مشکلم را حل کنم.

۰۹۳۶۶۵*۸۷

همراز عزیز! قبول دارم در شرایط بسیار سختی قرار گرفته‌اید و راضی و قانع کردن بزرگترهائیتان با آن تعصبات و باورهای سنتی کار دشواری است که تا حالا هم هیچکدامتان نتوانسته‌اید از احساس و ناراضی‌های درونی‌تان حرف بزنید، اما نکته مهم این است که صلاح زندگی و آینده شما در خطر است. حتی ازدواج‌های درست و با عشق و علاقه هم نیازمند مهارت زندگی آموزشی، گذشت، صبر و حوصله است تا پایدار بماند اما از ازدواج‌های اجباری که دو نفر با ناراضی‌های بی‌علاقگی و گاه تنفر وارد زندگی می‌شوند که دیگر اوضاع خیلی بدتر است. پس بسیار مهم است ازدواجی را که از پایه سست و لرزان است قبول نکنید. اگرچه کار سختی است اما از فرد بزرگتری در فامیل که مورد احترام دو خانواده است کمک بگیرید و موضوع را مطرح کنید تا پادرمیانی کرده و اصل مطلب را به والدینتان بگوید. اگر کسی را ندارید از مشاور خانواده کمک بگیرید. اول خودتان وقت بگیرید و موضوع را مطرح کنید بعد با کمک ایشان برای قانع کردن خانواده‌هایتان اقدام کنید. ان‌شالله که موضوع بدون تنش حل شود اما اگر باز هم فایده نداشت به نظرم لازم است با تمام توان با این ازدواج اجباری و نادرست مخالفت کنید تا به نتیجه برسید.

به صحبت کردن با او عادت کرده‌ام

سالهاست که خواننده صفحه همراز هستم. همیشه از بیفکری بعضی از جوانها عصبی می‌شدم و فکر می‌کردم اگر جای آنها بودم هیچ وقت اشتباه آنها را تکرار نمی‌کردم. اما متأسفانه حدود شش ماهی است از طریق دنیای مجازی با پسری دوست شده‌ام که البته در این مدت فقط از طریق دنیای مجازی و تلفن بوده ولی حالا اصرار دارد که از نزدیک همدیگر راببینیم. اصلاً به این گونه دوستی‌ها علاقه ندارم و نمی‌خواهم آنرا ادامه بدهم ولی از طرفی هم به صحبت کردن با او عادت کرده‌ام و از تنهایی درآمده‌ام. همراز عزیز ۲۰ سال سن دارم و به تازگی درسم تمام شده ولی هیچ انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل ندارم. او هم ۲۵ سال سن دارد و پیش پدرش مشغول به کار است. از طرفی هم می‌ترسم اگر بخواهم قطع رابطه کنم برایم مزاحمت ایجاد کند و آبرویم پیش خانواده‌ام برود. به نظر شما چگونه می‌توانم مشکلم را حل کنم.

مطهره - ب - تهران

دوست و همراه گرمی خوب است که خودتان هم آگاهی دارید که روش آشنایی تان روش مطمئنی نیست مخصوصاً در سن و سال شما که هنوز تجربه و آگاهی کافی نسبت به ارتباط سالم و درست وجود ندارد. بنابراین نمی‌توانید انتظار رابطه‌ای پایدار و موفق داشته باشید. در این گونه رابطه‌ها که به صورت تلفنی یا مجازی شکل می‌گیرند بزرگترین مشکل همین عادت کردن یا به نوعی ایجاد وابستگی روانی است که مثل اعتیاد می‌ماند و رهایی و قطع آنرا برای افراد درگیر سخت می‌کند. با این آگاهی واضح است هرچه زودتر به این موضوع خاتمه بدهید راحت‌تر با عواقب آن کنار می‌آیید. نکته مهم دیگر این است که ترس از تهدیدهای طرف مقابل نداشته باشید و آینده‌ی زندگی تان را به خاطر تهدیدهای واهی خراب نکنید. حتی اگر موضوع علنی هم شود آسیبش بسیار کمتر از این است که در رابطه‌ای ناسالم با گذر زمان بیشتر و بیشتر آزرده شوید. مصمم و با اراده باشید و ارتباط را قطع کنید حتی در صورت تهدید شدن، با خانواده یا پلیس موضوع را مطرح کنید.

برای آینده تان برنامه ریزی کنید و خودتان را از بیکاری و بلاتکلیفی دریابورید. حتی اگر قصد ادامه تحصیل ندارید به فراگیری هنر یا مهارتی بپردازید تا علاوه بر پر کردن وقت، برای آینده‌تان هم کار مفید و موثری کرده باشید. موفق باشید.

این گونه رابطه‌ها که به صورت تلفنی یا مجازی شکل می‌گیرند، بزرگترین مشکلشان همین عادت کردن یا به نوعی ایجاد وابستگی روانی است که مثل اعتیاد می‌ماند و رهایی و قطع آنرا برای افراد درگیر سخت می‌کند